

عنوان: بررسی نقش میانجی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده در رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و مدرسه‌هراسی

محمد خالدیان^{۱*}، مریم مهدی‌عراقی^۲ و ثریا خدادادی^۳

چکیده

اطلاعات مربوط به
مقاله

مدرسه‌هراسی یکی از مشکلات اساسی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است و پژوهش حاضر نیز با درک این مهم با هدف بررسی نقش میانجی انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده در رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی به انجام رسید. این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی و مدل معادلات ساختاری بود. آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم مقطع ابتدایی شهرستان جواهرود بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴ در مجموعه آموزش و پرورش شهرستان جواهرود مشغول به تحصیل بودند. از بین این افراد ۲۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های مدرسه‌هراسی فیلیپس (۱۹۸۷)، کیفیت روابط اجتماعی بارخام و همکاران (۱۹۹۶) و انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده قربانی (۱۳۹۰) بود. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار SMART PLS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد مدل مفهومی مدرسه‌هراسی از روی کیفیت روابط اجتماعی با میانجی‌گری انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده از برازش مطلوبی برخوردار است. همچنین انطباق‌پذیری خانواده، نتایج نشان داد که کیفیت روابط اجتماعی و انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده نقش مستقیم معناداری در پیوستگی خانواده، کیفیت مدرسه‌هراسی دارد دارد ($P < 0/01$). بر اساس یافته‌های مذکور می‌توان گفت که مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل بین فردی نظیر کیفیت روابط اجتماعی و نیز عوامل خانوادگی نظیر انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده قرار دارد و جهت رفع مشکلات مرتبط با مدرسه‌هراسی در میان دانش‌آموزان مذکور، باید به جملگی این عوامل توجه شود.

کلیدواژگان

خانواده،
انطباق‌پذیری
پیوستگی خانواده،
روابط اجتماعی،
مدرسه‌هراسی

^۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران khaledian12@pnu.ac.ir

^۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. mmahdiaraghi@pnu.ac.ir

^۳. گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران hasty.kayook@gmail.com

مقدمه

شخصیت شغلی و اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس پرورش می‌یابد و وضعیت تحصیلی آن‌ها نقش مهمی در شرایط روانی-اجتماعی آنان بازی می‌کند به گونه‌ای که اغلب اختلالات و ناسازگاری‌های رفتاری پس‌از این دوران و دوران بزرگسالی ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی و نوجوانی و عدم هدایت صحیح درون‌دانش و تکامل روانی و تحصیلی است (رافینا و آستوتی، ۲۰۲۴). این بی‌توجهی منجر به عدم سازش و انطباق با محیط و بروز انحرافات گوناگون در ابعاد مختلف برای کودکان می‌شود و توجه و شناسایی زودهنگام آن درخور اهمیت و توجه پژوهشگران، برنامه‌ریزان و روان‌شناسان می‌باشد (چوکلینگام، اسکینر، ملوین و یاپ، ۲۰۲۳). یکی از مشکلاتی که در این دوران برای دانش‌آموزان حادث می‌شود و از شیوع نسبتاً بالایی نیز برخوردار است، مدرسه‌هراسی است که پیامدهای نامطلوب زیادی برای رشد روانی-اجتماعی دانش‌آموزان به دنبال دارد (هاویک و اینگول، ۲۰۲۱) و بررسی عوامل مؤثر بر آن همواره مورد توجه بوده است، هرچند ابهامات زیادی در این خصوص وجود دارد. لذا شناسایی عوامل مؤثر در وضعیت مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان ابتدایی مسئله‌ای درخور توجه است.

مدرسه‌هراسی عبارتست از یک حالت اضطرابی که با مشخصه‌ها و علائمی نظیر پریشان شدن، تعریق بدن، تشویش و بی‌قراری در مدرسه و بروز علائم اضطراب جدایی شناخته می‌شود. مدرسه‌هراسی ممکن است ناشی از عزت‌نفس پایین یا ترس از شکست بالا و سایر عوامل روانی-اجتماعی یا خانوادگی باشد (گونزالز، کرنی، خیمینز-ایالا، سامارین، ویسنت و همکاران، ۲۰۱۸). مدرسه‌هراسی شامل ۴ بعد است که در بعد نخست واکنش‌های جسمانی و فیزیولوژیک، در بعد دوم اضطراب از ارزیابی یا همان اضطراب امتحان، در بعد سوم عزت‌نفس پایین یا اعتمادبه‌نفس کم و فقدان آن و در بعد چهارم نیز مشکلات مرتبط با ابراز وجود در دانش‌آموزان مورد اشاره قرار گرفته است (کاربن و استن دل لیس، ۲۰۲۳). بر اساس یافته‌های ایکلند، بورنز، اوین، دی مارکینا و مک کولوم (۲۰۲۲) از هر هفت دانش‌آموز در ایالات متحده یک نفر با غیبت مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کند که یکی از علت‌های مهم آن مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان به دلایل مختلف است؛ بنابراین باید اشاره کرد که مدرسه‌هراسی یک عامل خطر و زمینه‌ساز پیامدهای روانی-اجتماعی منفی است (اولاس و سیکرا، ۲۰۲۴). بیسواس و ساهو (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی اشاره می‌کنند که مدرسه‌هراسی با اختلالاتی نظیر افسردگی، مشکلات هیجانی و اضطراب‌های مزمن همبودی دارد. گریزب و همکاران (۲۰۱۹) نیز مدر مطالعات خود نشان دادند که مدرسه‌هراسی نقش منفی در روابط اجتماعی کودکان دارد و با ضعف در روابط اجتماعی مرتبط است. چوکلینگام و همکاران (۲۰۲۳) نیز به تأثیر متقابل مدرسه‌هراسی و کاهش عزت‌نفس در یکدیگر اشاره کرده‌اند؛ بدین صورت که عزت‌نفس پایین عامل مدرسه‌هراسی به شمار می‌رود و خود مدرسه‌هراسی پیامدهایی نظیر کاهش عزت‌نفس و اختلال در روابط اجتماعی و بین فردی را به دنبال دارد؛ بر این اساس شناسایی عوامل مرتبط با مدرسه‌هراسی به جهت اثرات نامطلوب این معضل در میان کودکان، از اهمیت بالایی برخوردار است. عوامل خانوادگی یکی از مسائلی هستند که می‌توانند در مدرسه‌هراسی نقش داشته باشند، اما ابهامات زیادی در خصوص چگونگی نقش این پارامتر وجود دارد، خصوصاً علی‌رغم نقش قابل توجهی که کیفیت روابط اجتماعی ۱۰ در سازگاری دانش‌آموزان با محیط‌های نظیر مدرسه دارد، به نقش این سازه در مدرسه‌هراسی کمتر توجه شده است.

درحالی که مدرسه‌هراسی ممکن است تحت تأثیر توانمندی‌ها و قابلیت‌های کودکان قرار داشته باشد؛ کیفیت روابط اجتماعی نیز به‌عنوان یک قابلیت مهم در همه انسان‌ها می‌تواند به سازگاری آن‌ها با محیط‌های اجتماعی جدید یاری رساند. کیفیت روابط اجتماعی عبارتست از قابلیت برقرار روابط مطلوب اجتماعی با دوستان، اطرافیان، خانواده و دیگران که موجب شکوفایی و دگرگونی سایر جنبه‌های شخصیتی می‌شود (رافینا و آستوتی، ۲۰۲۴). بروز اختلال یا وجود نقایص در روابط اجتماعی که در متون علمی تحت عنوان مشکلات روابط بین فردی ۱۱ یا مشکلات اجتماعی رایج است، می‌تواند منجر به طیف وسیعی از رفتارهای بیمارگونه شود (لادومو، سالواتو، لایوماردا، سیفسی، مسینا و

1. Rafida & Astuti

2. Chockalingam, Skinner, Melvin & Yap

3. school phobia

4. Havik & Ingul

5. González, Kearney, Jiménez-Ayala, Sanmartín, Vicent, Inglés & García-Fernández

6. Carbone & Assante del Leccese

7. Eklund, Burns, Oyen, DeMarchena & McCollom

8. Ulaş & Seçer

9. Biswas & Sahoo

10. social relationships

11. interpersonal problems (IPP)

همکاران، ۱، ۲۰۲۲). در زمینه کیفیت روابط اجتماعی شش بعد اصلی مطرح شده است که عبارت‌اند از: قاطعیت، ۲، مردم‌امیزی، ۳، اطاعت‌پذیری، ۴، صمیمیت، ۵، مسئولیت‌پذیری، ۶ و مهارگری، ۷ (شارت، محمدمهر، پوربهلول و عزیزی، ۱۳۹۱). برخی از محققان به شکل افراطی بر این عقیده هستند که پریشانی روانی و شکست‌های عاطفی و رفتاری زمانی رخ می‌دهد که کیفیت روابط اجتماعی به حدی پایین آمده باشد که با شکست مواجه شود (سویاکی، ابراهیم، هوفارت، مانسن و جانسون، ۲۰۲۳). از آنجایی که افراد در اهداف بین فردی خود متفاوت هستند، انواع مختلف مشکلات بین فردی باعث تسریع رفتار ناسازگارانه برای افراد مختلف می‌شود، نتایج تحقیقات در این زمینه نشان داده است که بسیاری از افراد در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمانه با یکدیگر مشکل دارند که بیشترین آسیب را به افراد و سازگاری آن‌ها با جامعه وارد می‌کند (اسکیپراس و فامیر، ۲۰۲۴). هنگامی که فرد از کیفیت روابط اجتماعی بالایی برخوردار است می‌تواند احساس خوشی را به‌طور کارآمد برای دیگران بیان کند، احساس و عواطف دیگران و رفتارهای اجتماعی آنان را ادراک نموده و با آن‌ها ارتباط مناسبی برقرار نماید و در غلبه بر مشکلات و چالش‌ها ۱۰ به‌صورت کارآمد توانمند باشد (وی، شی، مک لئود و یانگ، ۲۰۲۲). این قابلیت اثرات زیادی در بهزیستی و سلامت ذهنی و اجتماعی (رافینا و آستوتی، ۲۰۲۴)، کاهش پرخاشگری و رفتارهای قلدرانه و ارتقای عزت‌نفس (دی‌سوزا، پیکسوتو و کروو، ۲۰۲۳)، ارتقای کیفیت روابط بین فردی و گوش دادن فعالانه (سویاکی و همکاران، ۲۰۲۳)، بهبود کیفیت روابط اجتماعی و کاهش اضطراب اجتماعی (اسکیپراس و فامیر، ۲۰۲۴). همان‌گونه که مشاهده می‌شود این توانمندی‌ها می‌توانند بر طیف وسیعی از مسائل روانی، شناختی، اجتماعی و هیجانی اثرگذار باشد و نقش آن بر مدرسه هراسی نیز دور از تصور نیست؛ بر این اساس بررسی نقش کیفیت روابط اجتماعی در مدرسه هراسی به‌عنوان یکی از اهداف پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود.

از دیگر سو باید اشاره کرد که کیفیت روابط اجتماعی الزاماً نمی‌تواند منجر به سازگاری دانش‌آموزان با محیط مدرسه شود و کارکرد آن به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به نقش شرایط خانوادگی اشاره کرد. خصوصاً به نقش انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی ۱۲ در این حوزه چندان پرداخته نشده است، درحالی‌که به بیان محققین این سازه این حوزه می‌تواند نقش قابل‌توجهی در شناسایی ریشه مشکلات کودکان و نوجوانان در خانواده داشته باشد (اسپیتز و استینهوزن، ۱۳، ۲۰۲۳). باید گفت که خانواده بخشی از روابط انسانی و عنصری از آن است که از یک‌سو به عوامل مرتبط با محیط مانند جامعه، طبیعت و تاریخ مرتبط است و از سوی دیگر شامل انواع نظام‌هایی است که روابط مختلف نزدیک در جامعه را در برمی‌گیرد (اولاس و سیکر، ۲۰۲۴). روابطی نظیر روابط بین زن و شوهر، پدر و فرزندان، مادر و فرزندان و سایر روابط که همگی نقش غیرقابل‌انکاری در رشد و پرورش فکری و اخلاقی اعضای خانواده و نهایتاً جامعه دارند؛ بنابراین رفتار هر یک از اعضای خانواده تابعی از کل نظام خانواده و نظام‌های گسترده‌تر مرتبط با آن و نیز سایر اعضای آن خانواده است (زیراک و گردون-شالک، ۱۴، ۲۰۲۳). در نگاه به هر خانواده توجه به این چهارعنصر یعنی ساختار، رابطه یا ارتباط، اطلاعات و عملکرد ماهیت وجودی آن خانواده و عملکرد کلی آن را روشن می‌کند و خانواده سالم را از خانواده ناسالم و یا مختل متمایز می‌سازد. خانواده‌ای که در ساختار دچار گسست است (مثلاً زن و شوهر از هم جدا شده‌اند)، روابط غیر انطباقی است (کودکی درس نمی‌خواند یا یکی از نوجوانان معنادار شده است) و تبادل اطلاعات در آن با مشکل روبه‌روست (خواسته‌ها به‌وضوح بیان نمی‌شود و یا تبادل کلامی در سطح حداقل ممکن است) حتماً از عملکرد سالم و سازنده بی‌بهره خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر سیستم آن از هماهنگی و سازمان‌یافتگی لازم محروم است (معمدی، ۱۴۰۱). در چنین شرایطی است که سخن از انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی ساختار خانواده به میان می‌آید. این مدل نخستین بار توسط اولسون ۱۵ (۱۹۹۴) طرح گردید.

1. Dadomo, Salvato, Lapomarda, Ciftci, Messina & et al.

2. assertiveness

3. sociability

4. submissiveness

5. intimacy

6. responsibility

7. controlling

8. Solbakken, Ebrahimi, Hoffart, Monsen & Johnson

9. Sciberas & Fournier

10. Challenges

11. Wei, Shi, MacLeod & Yang

12. family adaptability and cohesion

13. Spitz, & Steinhausen

14. Zerach & Gordon-Shalev

15. olson

اولسون (۲۰۱۱) معتقد است که انطباق‌پذیری یا سازگاری و انسجام یا پیوستگی خانواده دو بعد مهم در سلامت خانواده هستند. از نظر او این دو بعد، یک مدل را تشکیل می‌دهند که نام مدل مدور ترکیبی ۱ را بر آن نهاده است. انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری به معنای همان قابلیت تغییرپذیری خانواده در قوانین، نقش‌ها، میزان کنترل و انضباط و ... اشاره دارد. در مقابل پیوستگی و انسجام خانواده نیز به پیوند و تعامل خانواده با یکدیگر و همان مسائل ارتباطی، روابط بین والدین و والدین و فرزندان و مقدار و کیفیت این تعاملات اشاره دارد. همچنین پارامترهایی نظیر علایق مشترک، چگونگی گذراندن اوقات فراغت و میزان پیوستگی اعضای خانواده به یکدیگر را نیز نشان می‌دهد (اولسون، ۲۰۱۱؛ جیانگ، ۲۰۲۲). انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی نقش مهمی در وضعیت روان‌شناختی اعضای خانواده ایفا می‌کند و مطابق یافته‌های پژوهشی بر سازهایی نظیر رفتارهای مثبت والدین و فرزندان (اسیتز و استینهوزن، ۲۰۲۳)، خودکارآمدی مسیر تحصیلی و شغلی اعضای خانواده (جیانگ، ۲۰۲۲)، مدیریت استرس‌های والدینی و اضطراب‌های روزمره (زیراک و گردون-شالک، ۲۰۲۳) و کاهش اضطراب اجتماعی (یانپوهی و هانگ، ۲۰۲۳) دارد. همچنین بشیرپور و حیدری (۲۰۲۲) در پژوهشی نشان دادند که انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده نقش قابل‌توجهی در سازگاری با مدرسه و درگیری آموزشی دارد؛ بنابراین با توجه به نقش انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده در مدیریت اضطراب و استرس‌های مختلف و نیز سازگاری با مدرسه، می‌توان از نقش این سازه در مدرسه‌هراسی ۴ نیز سخن به میان آورد؛ چراکه این سازه می‌تواند در مدیریت هیجان‌های تحصیلی اثرگذار باشد (جیانگ، ۲۰۲۲) و مدرسه‌هراسی نیز به‌عنوان یک هیجان منفی تحصیلی می‌تواند تحت تأثیر این سازه قرار گیرد. حال آنکه این مهم چندان مورد توجه محققین این حوزه قرار نگرفته است.

درمجموع باید اشاره کرد که مدرسه‌هراسی و امتناع از مدرسه مشکل پیچیده‌ای است که به مشکل در حضور یا ماندن در مدرسه به دلیل ناراحتی عاطفی در مورد حضور اشاره دارد. علیرغم اینکه وقوع آن با پیامدهای منفی همراه است، بسیاری از آنها به گزینه‌های درمانی فعلی پاسخ نمی‌دهند. علت این مسئله از نظر چوکلینگام و همکاران (۲۰۲۳) این است که علی‌رغم نقش کلیدی عوامل خانوادگی و والدینی در این خصوص، تحقیقات کمی به‌چندچون آن پرداخته‌اند. تحقیقات جدید نظیر پژوهش‌های اولاس و سیکر (۲۰۲۴) نیز بیان می‌دارند که علی‌رغم نقش عوامل خانوادگی در مدرسه‌هراسی، مدل پژوهشی مدونی در این حوزه وجود ندارد و ضعف پژوهشی در این خصوص مشهود است. از دیگر سو، بیسواس و ساهو (۲۰۲۳) نیز بیان می‌دارند که قابلیت‌های روانی-اجتماعی دانش‌آموزان در سازگاری با مدرسه در گرو شرایط مناسب خانوادگی قرار دارد که از حیث پژوهشی مغفول واقع شده است.

بنابراین چنان که مشاهده می‌شود خلاء بارز پژوهشی در این حوزه مشاهده می‌شود به نحوی که تحقیقات پیشین نتوانسته‌اند نقش کیفیت روابط اجتماعی دانش‌آموزان را به‌طور کامل در مدرسه‌هراسی آنان شناسایی کنند و نتایج بهبود مهارت‌های این افراد در این حوزه چندان روشن نیست. از دیگر سو، انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده به‌عنوان شاخصی مهم در حوزه مطالعات خانواده، به کمترین شکل ممکن در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است و نقش آن در این رابطه چندان روشن نیست. حال آنکه شناسایی نقش مبانی‌گراانه انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده در این خصوص می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزی‌های آتی در این خصوص باشد و پژوهش حاضر با درک این شکاف پژوهشی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده نقش میانجی‌گراانه معناداری در رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی دارد؟

روش

روش پژوهش توصیفی-همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم مقطع ابتدایی شهرستان جاونپور بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در مجموعه آموزش و پرورش شهرستان جاونپور در یکی از مدارس شهری یا روستایی مشغول به کار بودند که بنابر اعلام آموزش و پرورش شهرستان تعداد این افراد حدود ۴۰۰۰ نفر بود. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول تعیین حجم نمونه بر اساس ابعاد پژوهش استفاده شد که در کتاب معادلات ساختاری جیببی و کلاهی (۱۴۰۳) توصیه شده است و مطابق این فرمول به ازای هر بعد باید ۱۶ نفر نمونه گرفته شود و مجموع آن به علاوه ۵ شود که بر این اساس و با توجه به اینکه ابعاد

1. circumplex model

2. Jiang

3. Yunhui & Hong

4. school phobia

5. Biswas & Sahoo

متغیرهای پژوهش پیش‌رو ۱۲ بعد است تعداد کلی نمونه حداقل باید برابر با ۱۹۷ نفر باشد اما به جهت احتمال پرسشنامه‌های مخدوش این تعداد به ۲۱۰ نفر افزایش یافت:

$$A \approx 8 \approx ?$$

$$12 \approx 16 + 5 = 197$$

در این پژوهش با استفاده از روش در دسترس و بر اساس تمایل دانش آموزان به همکاری، ۲۱۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. در انجام اعمال آماری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و روش‌های آماری مدل معادلات ساختاری و ضریب همبستگی به وسیله نسخه ۴ نرم‌افزار اسمارت پی ال اس استفاده شد.

ابزار

الف) مقیاس مدرسه‌هراسی: این پرسشنامه توسط فیلیس در سال ۱۹۷۸ طراحی و ساخته شد که نسخه‌ی اصلی آن ۷۴ ماده دارد که در هنجاریابی‌های بعدی تعداد سوالات به ۶۵ ماده کاهش یافته است. مقیاس مدرسه‌هراسی فیلیس، ۴ زمینه ترس از ابراز وجود سوالات ۱۸ تا ۳۵. اضطراب امتحان سوالات ۱ تا ۱۷، فقدان اعتماد به نفس سوالات ۳۶ تا ۵۰ و واکنش‌های فیزیولوژیک سوالات ۵۱ تا ۶۵ را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. ابوالمعالی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «پایا سازی، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس اضطراب مدرسه» تعداد سوالات آن را به ۶۵ ماده کاهش داده‌اند. لذا پرسشنامه‌ای که در این تحقیق استفاده شد، ۶۵ ماده داشت که آزمودنی به صورت بله، خیر و گاهی اوقات به آنها پاسخ داده، نمره کل وی از جمع نمرات هر سؤال به دست آمده است. نمره فرد در هر سؤال در صورت پاسخ بلی ۲، گاهی اوقات ۱ و پاسخ خیر صفر می‌باشد. ابوالمعالی و همکاران (۱۳۹۰) با توجه به شواهد سه گانه اعتبار صوری، ملاکی هم زمان و اعتبار سازه، روایی این آزمون را تأیید و پایایی آن را ۰/۹۳ محاسبه کرده‌اند. در پژوهش بهمن، کیامنش و ابوالمعالی (۱۳۹۲) برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده شد. بدین ترتیب که آزمون مقدماتی ابتدا به روی ۶۰ دانش آموز پایه چهارم (مشابه با نمونه پژوهش انجام شد و پس از گذشت ۳ هفته، آزمون دوم، مجدداً بر روی همان گروه اجرا گردید. با استفاده از همبستگی پیرسون در روش بازآزمایی، میزان پایایی کل ۰/۸۰ دست آمد. همچنین با استفاده از آلفای کرونباخ، پایایی هر یک از خرده آزمونها مشخص شد که به ترتیب ترس از ابراز وجود، ۸۰ صدم، اضطراب امتحان ۸۷ صدم، فقدان اعتماد به نفس ۲۰/۳ صدم و واکنشهای فیزیولوژیک ۷۸/۱ صدم پایایی داشتند (نقل از بهمن و همکاران، ۱۳۹۲).

ب) پرسشنامه کیفیت روابط اجتماعی: این ابزار توسط بارخام، هاردی و استارتاپ^۱ (۱۹۹۶) به عنوان یک نسخه کوتاه از فرم اصلی (فرم ۱۲۷ سؤالی) به منظور استفاده بالینی تهیه گردید. این مقیاس دارای ۶ مؤلفه: صراحت و مردم‌آمیزی- گشودگی- در نظر گرفتن دیگران- عدم پرخاشگری- حمایت گری و مشارکت- عدم وابستگی افراطی و ۳۲ سؤال است که کیفیت روابط اجتماعی را می‌سنجد و برای جمعیت ۹ سال و بالاتر قابل استفاده است. بارخام و همکاران (۱۹۹۶) روایی و پایایی مطلوبی برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. در ایران نیز فتح و همکاران (۱۳۹۲) روایی صوری ابزار مذکور را با استفاده از نظر افراد صاحب نظر در این حوزه مورد تأیید قرار داده‌اند. همچنین این محققین با استخراج شش بعد و با استفاده از روش رواسازی تحلیل عاملی، روایی پرسشنامه مذکور را در جمعیت ایرانی مورد تأیید قرار داده‌اند و پایایی ضریب آلفای کرونباخ برای عوامل صراحت و مردم‌آمیزی، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران، پرخاشگری، حمایت گری و مشارکت و وابستگی به ترتیب بالای ۰/۷۲ گزارش نموده‌اند. ضریب پایایی کلی نیز ۰/۷۸ گزارش شده است. همچنین روایی سازه این مقیاس نیز با به دست آمدن شش خرده مؤلفه صراحت و مردم‌آمیزی- گشودگی- در نظر گرفتن دیگران- عدم پرخاشگری- حمایت گری و مشارکت- عدم وابستگی افراطی، مطلوب گزارش شده است (فتح و همکاران، ۱۳۹۲).

ج) پرسشنامه انطباق پذیری و پیوستگی خانواده: پرسشنامه استاندارد ارزیابی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده، توسط قربانی (۱۳۹۰) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال و دو مؤلفه می‌باشد و بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با سوالاتی مانند (اعضای خانواده از یکدیگر کمک می‌گیرند). به سنجش ارزیابی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده می‌پردازد. ابزار ۴۰ سؤالی است که سنجش دو بعد عمده عملکرد خانواده، یعنی همبستگی (۲۱-۴۰) و انطباق پذیری (۱-۲۰) تدوین شده است. این مقیاس بر اساس الگوی حلقوی پیچیده عملکرد

^۱. Barkham, Hardy & Startup

خانواده ساخته شده است. هنجار این مقیاس برای خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان و زوج‌های جوانی که در مراحل گوناگون چرخه زندگی هستند به‌دست‌آمده است. در پژوهش قربانی (۱۳۹۲) روایی این مقیاس به روش صوری و محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای این پرسشنامه پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ برآورد شد. «مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و بیوستگی خانواده» با آلفای ۰/۸۸ برای کل ابزار، آلفای ۰/۷۷ برای «همبستگی» خانواده، و آلفای ۰/۷۲ برای «انطباق‌پذیری» خانواده، از یک همسانی درونی نسبتاً خوب برخوردار است، اما ضرایب همبستگی در بازآزمایی «مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و بیوستگی خانواده» برای «بیوستگی» خانواده ۰/۸۲ و برای «انطباق‌پذیری» خانواده ۰/۸۰ بود که نشان‌دهنده ثبات بسیار خوبی است.

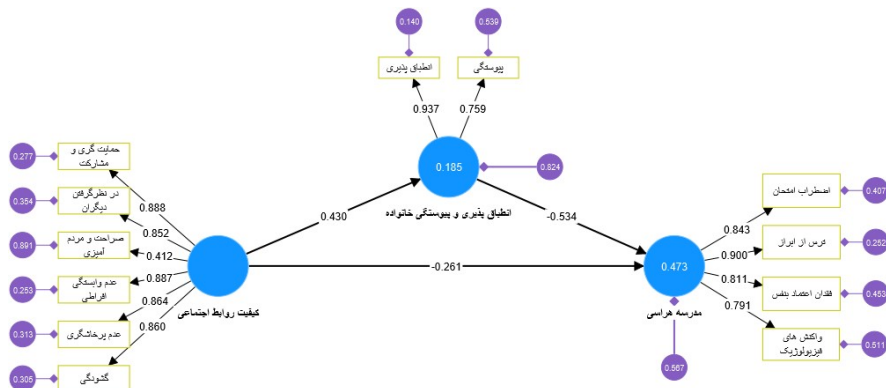
یافته‌ها

شاخص‌های دموگرافیک نمونه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱ متغیرهای جمعیت شناختی

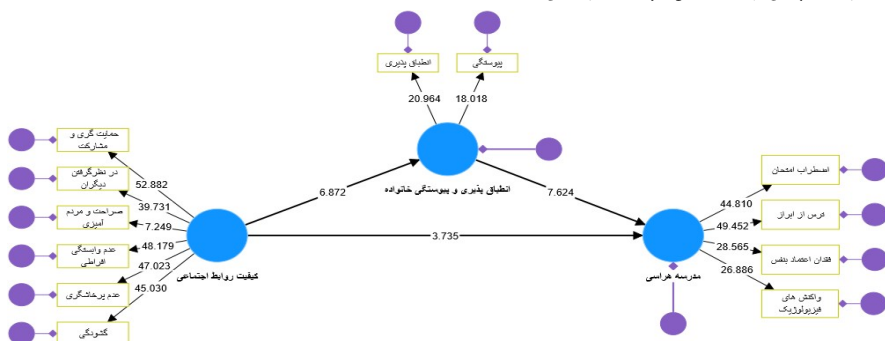
متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	پسر	۱۰۵	۵۰٪
	دختر	۱۰۵	۵۰٪
پایه تحصیلی	چهارم	۵۹	۲۸٪
	پنجم	۷۸	۳۷٪
	ششم	۷۴	۳۵٪
سن	۹	۵۰	۲۴٪
	۱۰	۲۱	۱۰٪
	۱۱	۶۹	۳۳٪
	۱۲	۲۵	۱۲٪
	۱۳	۴۴	۲۱٪

بر اساس شاخص‌های چولگی و کشیدگی و نتایج Z ، تمامی متغیرها نرمال هستند. این نشان می‌دهد که توزیع نمرات این متغیرها به طور کلی از توزیع نرمال تبعیت می‌کند، و بنابراین می‌توان از روش‌های آماری که به فرض نرمال بودن داده‌ها متکی هستند، استفاده کرد. به دلیل نرمال بودن داده‌ها، برای تحلیل نهایی و بررسی مدل و فرضیه‌ها از روش کوواریانس محور با تخمین حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. در شکل ذیل مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد ارائه شده است.



شکل ۱-مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد

در ادامه نیز مدل در حالت تخمین ضرایب معناداری قابل مشاهده است.



شکل ۲: مدل در حالت تخمین ضرایب معناداری

مدل ۲ در واقع تمامی معادلات اندازه گیری (بارهای عاملی و ضرایب مسیر) را با استفاده از آماره χ^2 آزمون می کند. بر طبق این مدل، بار عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می باشد اگر مقدار آماره χ^2 خارج بازه $1/96 - 1/96 +$ قرار گیرد.

جدول ۲: شاخص های برازش مدل

شاخص های برازش مدل		مقدار برآورد شده	حد مجاز
کای دو	Chi-square	۷۸۸۸۱	-
درجه آزادی	Degrees of freedom	۵۱	-
سطح معناداری	P value	۰.۰۰۷	-
کای دو بر درجه آزادی	ChiSqr/df	۱.۵۴۷	<۳
ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد شده	RMSEA	۰.۰۵۱	<۰.۱
کران پایین	RMSEA LOW 90% CI	۰.۰۳۷	-
کران بالا	RMSEA HIGH 90% CI	۰.۰۷۲	-
نیگویی برازش	GFI	۰.۹۴۶	>۰.۸
نیگویی برازش تعدیل یافته	AGFI	۰.۹۱۸	>۰.۸
برازندگی نرم شده	NFI	۰.۹۵۷	>۰.۹
برازندگی نرم نشده	TLI	۰.۹۸	>۰.۹
برازندگی تطبیقی	CFI	۰.۹۸۴	>۰.۹

در مجموع می توان گفت مطلوب بودن همه شاخص های برازش مدل نشان دهنده آن است که مدل مفروض شما به طور کامل و دقیق داده های تحقیق را توضیح داده است. این موضوع اعتبار نتایج به دست آمده از مدل را بالا می برد و نشان می دهد که فرضیه ها و روابط بین متغیرها به درستی تعریف شده اند. علاوه بر این، توانایی مدل در توجیه داده ها می تواند اطمینان دهد که ساختار تئوریک و مفهومی پژوهش با دنیای واقعی همخوانی دارد.

جدول ۳: نتایج معادلات ساختاری و شاخص های کیفیت معادلات ساختاری

فرصیات (اثرات مستقیم)		معادلات ساختاری			کیفیت معادلات ساختاری
		بتا	t	سطح معناداری	ضریب تعیین
کیفیت روابط اجتماعی < انطباق پذیری و پیوستگی خانواده	۰.۴۳	۶.۸۷۲	۰.۰۰۱	۰.۱۸۵	متوسط
	۰.۲۶۱	۳.۷۳۵	۰.۰۰۱	۰.۴۷۳	قوی
	۰.۵۳۴	۷.۶۲۴	۰.۰۰۱		

یکی از معیارهای ارزیابی درونی مدل، ضریب تعیین (R^2) و ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj}) می‌باشد. ضریب تعیین (R^2) واریانس توضیحی یک متغیر درونزا را نسبت به واریانس کل آن توسط متغیرهای برونزا اندازه‌گیری می‌کند. برای این شاخص مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۶۷ قوی، بزرگ‌تر از ۰/۳۳ متوسط و کمتر از ۰/۱۹ ضعیف تلقی می‌شود. در واقع این ضریب نشان می‌دهد متغیر یا متغیرهای مستقل چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. بر این اساس می‌توان گفت کیفیت روابط اجتماعی به تنهایی ۱۹٪ از تغییرات انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده را توضیح داده است. کیفیت روابط اجتماعی و انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده روی هم رفته ۴۷ درصد از تغییرات مدرسه‌هراسی را توضیح داده‌اند.

جدول ۴: نتایج آزمون سوبل و بوت استرپ برای اثر متغیر میانجی

فرضیه میانجی (اثرات غیر مستقیم)	بوت استرپ		آزمون سوبل	
	بتا	T	آماره سوبل	سطح معناداری
کیفیت روابط اجتماعی -> انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده -> مدرسه‌هراسی	-۰,۲۳	-۴,۶۲۶	۴,۵۷۳	۰,۰۰۱

یافته‌ها نشان می‌دهد که انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده به‌عنوان یک میانجی، رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و مدرسه‌هراسی را تقویت می‌کند. ضریب بتا برای این رابطه -۰,۲۳ و مقدار t برابر با -۴,۶۲۶ است. آزمون سوبل با آماره ۴,۵۷۳ و سطح معناداری ۰,۰۰۱ نشان می‌دهد که این اثر غیرمستقیم معنادار است. بنابراین، فرضیه تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده در رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی بود. کیهافته‌ها نشان داد که انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده به‌عنوان یک میانجی، رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و مدرسه‌هراسی را تقویت می‌کند. ضریب بتا برای این رابطه و همچنین نتایج آزمون سوبل نیز نشان می‌دهد که این اثر غیرمستقیم معنادار است. بنابراین، فرضیه تأیید می‌شود.

یافته حاصله با نتایج مطالعات اولاس و سیکر (۲۰۲۴) همسو است که روابط خانوادگی و اجتماعی را در مدرسه‌هراسی مؤثر دانسته‌اند. گرزب و همکاران (۲۰۲۴) نیز عوامل خانوادگی را در این خصوص مؤثر می‌دانند که با این یافته پژوهش همخوانی دارد. یافته مذکور همچنین تاحدودی همسو با نتایج پژوهش‌های هاویک و اینگول (۲۰۲۱) است که عوامل متعدد فردی و اجتماعی را در مدرسه‌هراسی مؤثر دانسته‌اند. ایکلند و همکاران (۲۰۲۲)، ناگ (۲۰۲۱)، دلفان (۱۴۰۲) و جعفرزاده داشلیاغ و همکاران (۱۴۰۲) است نیز کیفیت روابط بین فردی دانش‌آموزان را در مدرسه‌هراسی مؤثر دانسته‌اند که با بخش‌هایی از این یافته تحقیق همسویی دارد. همچنین این یافته تحقیق با نتایج پژوهش‌های جیانگ (۲۰۲۲) و زیراک و گردون-شالک (۲۰۲۳) همسو است که دریافتند مدرسه‌هراسی تحت تأثیر عناصر خانوادگی قرار دارد. خداکرمی درویشعلی (۱۴۰۰) و اسپیتز و استینهوزن (۲۰۲۳) نیز تعاملات والدین و فرزندان و ساختارهای خانوادگی را بر اضطراب و هراس‌های کودکان مؤثر دانسته‌اند که با این یافته پژوهشی همسویی دارد.

در تبیین این یافته باید اذعان داشت که کیفیت مناسب روابط اجتماعی در کنار انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی عواملی هستند که انرژی فرزندان را در مواجهه با مشکلات و مسائل و چالش‌های مدرسه به حداکثر می‌رساند. زمانی که دانش‌آموزان از کیفیت روابط اجتماعی مناسبی برخوردار هستند، منابع حمایتی لازم را از محیط اطراف و جامعه‌ی پیرامون خویش دریافت می‌کنند که در رویارویی آنان با ترس و هراس‌های اجتماعی تأثیرگذار است (دادومو و همکاران، ۲۰۲۲). این درحالی است که انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی ضعیف در خانواده منجر به کاهش توانمندی‌های فرزندان در مواجهه با چالش‌های پیش‌روی آن‌ها در محیط‌های اجتماعی نظیر مدرسه می‌شود (سویاکن و همکاران، ۲۰۲۳) و نهایتاً مدرسه‌هراسی نیز می‌تواند به عنوان یکی از پیامدهای این شرایط به شمار رود.

همچنین در تبیین یافته حاصله می‌توان گفت زمانی که دانش‌آموزان از کیفیت روابط اجتماعی بالایی برخوردار هستند راحت‌تر به محیط‌های مختلف اجتماعی می‌روند و این مسئله آن‌ها را با محیط‌های اجتماعی مختلف آشنا می‌سازد. این آشناسازی با محیط‌های اجتماعی مختلف کمک می‌کند تا کودکان در یک چرخه مطلوب، روابط اجتماعی مناسبی را بیاموزند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا بتوانند بدون استرس به سایر اماکن اجتماعی نظیر مدرسه وارد شوند که طبعاً می‌تواند مدرسه‌هراسی آن‌ها را تا حد زیادی کاهش دهد. مانتی و همکاران (۲۰۱۹) در این خصوص بیان می‌دارند که اغلب ناسازگاری‌های اجتماعی کودکان ناشی از عدم تجربه حضور در جوامع مختلف است به گونه‌ای که کودکان

کم تجربه در روابط اجتماعی همواره ترس و اضطراب ورود به محیط‌های جدید را دارا هستند و این مسئله به بروز تنش‌های ارتباطی و هراس از محیط‌هایی نظیر مدرسه منجر می‌شود.

از دیگر سو باید اشاره کرد که انطباق پذیری و پیوستگی خانوادگی ضعیف یکی از عواملی است که باعث می‌شود والدین فرزندان خود و روابط اجتماعی آن‌ها را محدود سازند که این محدودسازی ارتباطی باعث کاهش اعتماد به نفس آن‌ها در مواجهه با افراد و محیط‌های جدید می‌شود که خود به عنوان یکی از ریشه‌های مدرسه هراسی به شمار می‌رود. همچنین انطباق پذیری و پیوستگی خانوادگی نامناسب منجر به کاهش مهارت‌های فرزندپروری در والدین و بروز چالش‌های متعدد فرزندپروری، پرخاشگری و رفتارهای نامناسب از سوی والدین و حتی کودک آزاری می‌شود (پانهوی و هانگ، ۲۰۲۳). این شرایط منجر به کاهش اعتماد به نفس کودکان می‌شود که موفقیت در محیط‌های جدید نظیر مدرسه را کاهش می‌دهد و منجر به بروز آسیب‌هایی نظیر مدرسه هراسی می‌شود، بنابراین باید گفت که احتمالاً خانواده نقش زیربنایی در این خصوص بازی می‌کند و نهایتاً تبعات یک سیستم خانوادگی نامطلوب و انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی ضعیف آن، کاهش قابلیت‌های اجتماعی و نهایتاً بروز مدرسه‌هراسی خواهد بود و بر این اساس است که انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده در رابطه کیفیت روابط اجتماعی با مدرسه‌هراسی نقش میانجی‌گرانه معناداری خواهد داشت.

منابع

- بشارت، محمدعلی؛ گنجی، پویا. (۱۳۹۱). نقش تعدیل کننده سبک های دلبستگی در رابطه بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی. *مجله اصول بهداشت روانی*، سال ۱۴ (۵۶)، ۳۳۵-۳۲۴.
- بهمن، بهاره؛ کیامنش، علیرضا و ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۲). مقایسه اضطراب مدرسه و مولفه های آن در دانش آموزان پایه چهارم در دو سیستم ارزشیابی سنتی و توصیفی. *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، ۱۰ (۱۳)، ۹۳-۱۰۷.
- جعفرزاده داشبللاغ، حسن؛ همتی، بابک؛ معراجی، ناهید؛ فخرذاکری، نادر. (۱۴۰۲). تعیین نقش الگوهای روابطی و سبک های اسنادی والدین در پیش‌بینی مدرسه‌هراسی و اضطراب امتحان دانش‌آموزان، *فصلنامه روان‌شناسی مدرسه*، ۱۲ (۱)، ۳۳-۲۰.
- خداکرمی درویشعلی، سحر. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر مدرسه هراسی در کودکان ابتدایی. *پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، ۱۱ (۱)، ۷۴۳-۷۵۰.
- دلفان، مریم. (۱۴۰۲). دلایل استرس در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی، *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۷ (۹۸)، ۵۱۸-۵۰۳.
- فتح، نجمه؛ آزادفلاح، پرویز؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم؛ و رحیمی، چنگیز. (۱۳۹۲). روایی و اعتبار پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-32). *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۳ (۱۹)، ۶۹-۸۰.
- قربانی، نرگس. (۱۳۹۰). بررسی رابطه هوش هیجانی با مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده در سطح شهرستان قلاورجان، پایان‌نامه جهت کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد واحد خمین شهر.

- Barkham, M., Hardy, G. E., & Startup, M. (1996). The IIP-32: A short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *British Journal of Clinical Psychology*, 35(1), 21-35.
- Biswas, H., & Sahoo, M. K. (2023). A study on psychiatric conditions in children with school refusal-A clinic based study. *Journal of family medicine and primary care*, 12(1), 160-164.
- Carbone, A., & Assante del Leccese, R. (2023). The Methodology of Psychological Clinical Intervention in School Settings: Case Studies with Students with Special Emotional and Educational Needs. *Education Sciences*, 13(5), 463.
- Chockalingam, M., Skinner, K., Melvin, G., & Yap, M. B. (2023). Modifiable parent factors associated with child and adolescent school refusal: a systematic review. *Child Psychiatry & Human Development*, 54(5), 1459-1475.
- Dadomo, H., Salvato, G., Lapomarda, G., Ciftci, Z., Messina, I., & Grecucci, A. (2022). Structural features predict sexual trauma and interpersonal problems in borderline personality disorder but not in controls: A multi-voxel pattern analysis. *Frontiers in Human Neuroscience*, 16, 773593.
- Eklund, K., Burns, M. K., Oyen, K., DeMarchena, S., & McCollom, E. M. (2022). Addressing chronic absenteeism in schools: A meta-analysis of evidence-based interventions. *School Psychology Review*, 51(1), 95-111.
- González, C., Kearney, C. A., Jiménez-Ayala, C. E., Sanmartín, R., Vicent, M., Inglés, C. J., & García-Fernández, J. M. (2018). Functional profiles of school refusal behavior and their relationship with depression, anxiety, and stress. *Psychiatry research*, 269, 140-144.

- Havik, T., & Ingul, J. M. (2021, September). How to understand school refusal. In *Frontiers in Education* (Vol. 6, p. 715177). Frontiers Media SA.
- Jiang, C. (2022). The effect of family cohesion and adaptability on career choice self-efficacy of graduates: The mediating effect of State Anxiety. *Work*, 72(3), 979-988.
- Marin, C. E., Anderson, T., Lebowitz, E. R., & Silverman, W. K. (2019). Parental predictors of school attendance difficulties in children referred to an anxiety disorders clinic. *European Journal of Education and Psychology*, 12(1), 31-46.
- Olson, D. (2011). FACES IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of marital and family therapy*, 37(1), 64-80.
- Olson, D. H. (1994). Curvilinearity survives: the world is not flat.
- Rafida, R., & Astuti, B. (2024). The Effectiveness of Social Skills Training in Improving Students' Interpersonal Communication. *Psymphatic: Jurnal Ilmiah Psikologi*, 11(1), 33-44.
- Sciberas, C., & Fournier, M. A. (2024). Personality and Lifetime Need Frustration: A Person-Centered Perspective on Interpersonal Problems and Personality Pathology. *Social Psychological and Personality Science*, 15(6), 702-717.
- Solbakken, O. A., Ebrahimi, O. V., Hoffart, A., Monsen, J. T., & Johnson, S. U. (2023). Emotion regulation difficulties and interpersonal problems during the COVID-19 pandemic: predicting anxiety and depression. *Psychological medicine*, 53(5), 2181-2185.
- Spitz, A., & Steinhausen, H. C. (2023). Development of Family Adaptability and Cohesion from Adolescence to Young Adulthood and Associations with Parental Behavior. *Journal of Child and Family Studies*, 1-10.
- Ulaş, S., & Seğer, İ. (2024). A systematic review of school refusal. *Current Psychology*, 1-16, 19407-19422. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12144-024-05742-x>
- Wei, Y., Shi, Y., MacLeod, J., & Yang, H. H. (2022). Exploring the factors that influence college students' academic self-efficacy in blended learning: a study from the personal, interpersonal, and environmental perspectives. *SAGE Open*, 12(2), 21582440221104815.
- Yunhui, D., & Hong, Y. (2023). A Research on the Relationship between Family Cohesion and Adaptability and Social Anxiety of College Students. *Journal of Dali University*, 7(11), 98.
- Zerach, G., & Gordon-Shalev, T. (2023). Distress tolerance, family cohesion and adaptability, and posttraumatic stress symptoms among combat veterans and their parents. *Family Relations*.

Investigating the mediating role of adaptability and family cohesion in the relationship between the quality of social relationships and school phobia

Mohamad Khaledian^{*۱}, Maryam Mahdiazqi[†] and Soraya Khodadadi^{‡۳}

Abstract

School phobia is one of the main problems of elementary school students, and the present study was conducted with the understanding of this issue with the aim of investigating the mediating role of adaptability and family cohesion in the relationship between the quality of social relationships and school phobia of second-year elementary school students. This study was a descriptive-correlational research and structural equation modeling. The statistical population of this study included all second-year elementary school students in Javanroud city who were studying in the Javanroud city education complex in the academic year 2024-2025. Among these individuals, 210 people were selected using the available sampling method. The data required for the study were the Philips School Fear Questionnaire (1987), the Quality of Social Relationships by Barkham et al. (1996), and the Adaptability and Family Cohesion Questionnaire (2011). The resulting data were analyzed using SMART PLS software. The results showed that the conceptual model of school phobia based on the quality of social relationships mediated by adaptability and family cohesion has a good fit. The results also showed that the quality of social relationships and adaptability and family cohesion have a significant direct role in school phobia ($P < 0.01$). Based on the aforementioned findings, it can be said that students' school phobia is influenced by interpersonal factors such as the quality of social relationships and family factors such as adaptability and family cohesion, and in order to solve the problems related to school phobia among the aforementioned students, all of these factors should be considered.

Keywords: Family adaptability, family cohesion, quality of social relationships, school phobia.

^۱. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

^۲. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

^۳. Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran